

فرهنگ اصطلاحات ترجمه

مشگلی که مترجم یا دانشجوی ترجمه در درک زبان مقالات تخصصی متون ترجمه شده با آن روبروست، وجود تعداد فزاینده‌ای اصطلاح تخصصی است. برخی از این اصطلاحات به حوزه زبانشناسی تعلق دارند و برخی دیگر یا میان زبان شناسی و ترجمه شناسی مشترکند و یا انحصاراً به حوزه ترجمه شناسی تعلق دارند. انشاءاً... در هر شماره چندین اصطلاح تخصصی را به زبان ساده تعریف خواهیم کرد و امید داریم اساتید و صاحب‌نظران، نظرات اصلاحی خود در مورد تعاریف ارائه شده را برای ما بفرستند.

سردبیر

ترجمه معکوس back translation

ترجمه معکوس عبارت است از ترجمه لفظ به لفظ متن ترجمه شده به زبان مبدأ. از ترجمه معکوس اغلب به عنوان روشی برای آزمایش دقت و صحت ترجمه استفاده می‌کنند. فرض کنید مترجمی انگلیسی زبان، کتاب غرب زدگی جلال آل احمد را به انگلیسی روان و اصطلاحی برگردانده است. اما چون با فارسی اصطلاحی آشنا نبوده، تردید دارد که متن کتاب یا بخشهایی از آن را بدرستی فهمیده باشد. احتمال می‌دهد که مواردی به متن افزوده یا از آن کاسته، و یا در درک متن اشتباه کرده است. در این صورت مترجم به دو طریق می‌تواند از ترجمه معکوس به عنوان آزمایش صحت و دقت ترجمه خود استفاده کند.

اگر مشاور فارسی زبان ترجمه به زبان انگلیسی تسلط ندارد، مترجم موارد اشکال را دوباره لفظ به لفظ از انگلیسی به فارسی برمی‌گرداند (بدیهی است که ترجمه مجدد متن به فارسی به دلیل آنکه لغت به لغت ترجمه شده فاقد روانی و زیبایی است) مشاور با مقابله ترجمه معکوس و متن اصلی اختلافات و خطاها را در می‌یابد.

در روش دوم، مترجم ترجمه خود را به فردی که به هر دو زبان انگلیسی و فارسی تسلط دارد می‌سپارد. این فرد که کتاب را به فارسی نخوانده است، ترجمه انگلیسی را دوباره به فارسی ترجمه می‌کند. مترجم با مقابله ترجمه معکوس و متن اصلی در می‌یابد که خواننده او از متن ترجمه شده چه چیز درک کرده است. همچنین در می‌یابد چه چیز به ترجمه اضافه شده و چه چیز از آن حذف شده است.

از ترجمه معکوس برای مقاصد مختلف از جمله مقاصد آموزشی در کلاسهای ترجمه و همچنین در نقد ترجمه می‌توان استفاده کرد. منتقد ترجمه بخشی از متن را که غلط ترجمه شده است به زبان مبدأ بر می‌گرداند تا خواننده بتواند متن اصلی و ترجمه را به زبان مادری خود بخواند

و دربارهٔ معنی آن قضاوت کند. نصرالله پورجوادی (۱۳۶۲: ۶۱) در نقد ترجمه انگلیسی مرصادالعباد، با استفاده از ترجمهٔ معکوس ضعف ترجمه را نشان می‌دهد. بیت زیر

همسنگ زمین و آسمان غم خوردم
نه سیر شدم نه یار دیگر کردم

چنین ترجمه شده است:

I have grieved beneath the weight of heaven and earth;
My grief is unquenched, and my beloved, unmatched.

منتقد، ترجمهٔ انگلیسی را به فارسی بر می‌گرداند و من زیر بار آسمان و زمین متحمل غم شده‌ام. غم من تسکین نیافت و یار من بی‌نظیر است. و در توضیح معنی شعر می‌گوید: «عاشق به اندازهٔ زمین و آسمان (یعنی یک دنیا) غم خورده و از این غم خوردن سیر نشده و در عین حال به معشوق دیگر هم روی نیاورده و مشرک نشده است.»

ترجمه ارتباطی (۱) communicative translation
ترجمه معنایی semantic translation

در دورهٔ ماقبل زبانشناسی ترجمه، روشهای ترجمه عموماً با دو اصطلاح غیر دقیق لغوی و آزاد، توصیف می‌شد. البته شدت و ضعف لغوی یا آزاد بودن ترجمه متفاوت بود. از این رو در نقد متون ترجمه شده عباراتی نظیر کاملاً آزاد، کاملاً لغوی، تاحدی لغوی، تاحدی آزاد زیاد دیده می‌شد. بطور کلی، در ترجمه لغوی مترجم به انتقال زبان و بیان نویسنده مقید بود و در ترجمه آزاد به اندیشه و پیام او.

در دورهٔ زبانشناسی ترجمه، برخی از نظریه‌پردازان از جمله نیومارک، روشهای ترجمه را با بیانی دقیقتر و با اصطلاحاتی فنی شرح کرده‌اند. دو اصطلاح ترجمه ارتباطی و ترجمه معنایی را پیتر نیومارک (۱۹۸۲) وضع کرده که شرح مبسوط آنها در کتاب روشهای ترجمه آمده است. تعریف و تفاوت این دو روش از مقایسه آنها به شرح زیر، بهتر درک می‌شود.

ترجمه ارتباطی

ترجمه معنایی

۱- در ترجمه معنایی، معنی دقیق متن اصلی تا آنجا که ساخت نحوی و معنایی زبان مقصد اجازه می‌دهد انتقال می‌یابد.
۱- در ترجمه ارتباطی مترجم می‌کوشد ترجمه‌اش همان تأثیری را که متن اصلی در خوانندگان زبان مبدأ گذاشته است در خوانندگان زبان مقصد نیز ایجاد کند. (اصل تأثیر برابر)

۲- در ترجمه ارتباطی مترجم به مخاطب خاصی متعهد است و چون این مخاطب چندان بسادگی قابل تعریف نیست، مترجم آزادی بیشتری دارد.

۳- ترجمه ارتباطی تأثیر، روانی، زیبایی و وضوح بیشتری دارد. از الفاظ، عبارات و ترکیبات آشنا استفاده می‌کند. خواندن آن ساده‌تر است. به زبان و بیان اصطلاحی تمایل دارد. مترجم جملات پیچیده متن مقصد را به دو یا چند جمله ساده می‌شکند و عناصر فرهنگی و اندیشه بیان شده در متن مقصد را تا حد امکان ساده می‌کند.

۴- در ترجمه ارتباطی واحد ترجمه معمولاً جمله است.

۵- در ترجمه ارتباطی طول ترجمه معمولاً بلندتر از متن اصلی و بلندتر از ترجمه معنایی همان متن است.

۶- اکثر نوشته‌های غیرادبی از جمله متون مطبوعاتی، کتب و مقالات علمی، نوشته‌ها و گزارشهای فنی، مکاتبات اداری، تبلیغات، اطلاعیه‌های عمومی، داستانهای عامیانه و ... معمولاً با این روش ترجمه می‌شوند.

۷- ارزیابی و نقد متونی که به روش ترجمه ارتباطی ترجمه شده‌اند گاه دشوار است زیرا نمی‌توان مخاطب را دقیقاً تعیین و تعریف کرد.

۸- در روش ترجمه ارتباطی، مترجم ممکن است بجای استفاده از کلمات خاص specific کلمات عام general بکار ببرد یا مفاهیم فرهنگی یا فنی متن مبدأ را حذف یا ساده کند. undertranslation

۲- در ترجمه معنایی مترجم به نویسنده متن وفادار است و لذا آزادی کمتری دارد.

۳- ترجمه معنایی از نظر معنی دقیق‌تر است ولی چون فاقد روانی و زیبایی است جذب و تأثیر کمتری دارد. پیچیده‌تر است و بیشتر نحوه بیان نویسنده را منتقل می‌کند تا مقصود او را. مترجم به کلمات و ترکیبات متن مبدأ وفادار است. ترجمه معنایی روح متن اصلی را که آمیزه‌ای جدانشدنی از فرم و معنی است در ترجمه حفظ می‌کند. ارزشهای زیباشناختی و ویژگیهای سبکی متن مبدأ را بهتر انتقال می‌دهد.

۴- در ترجمه معنایی، واحد ترجمه معمولاً کلمه است.

۵- در ترجمه معنایی طول ترجمه معمولاً در حد متن اصلی و کوتاه‌تر از ترجمه ارتباطی همان متن است.

۶- در مواردی که محتوی پیام نویسنده - فلسفی، مذهبی، سیاسی، علمی، ادبی و ... - به اندازه زبان و نحوه بیان او مهم است، از روش ترجمه معنایی استفاده می‌شود.

۷- ترجمه معنایی روشی عینی‌تر است و متون ترجمه شده به این روش ساده‌تر ارزیابی و نقد می‌شوند.

۸- در روش ترجمه معنایی، مترجم ممکن است به دلیل التزام بیش از حد به معانی الفاظ، برخی از جنبه‌های معنایی کلمات را که مقصود نویسنده متن نبوده است به زبان مقصد ترجمه کند. overtranslation

۹- مخاطب متن مبدأ و خواننده ترجمه به دو فرهنگ متفاوت تعلق دارند. لذا اطلاعات مشترك میان نویسنده و خواننده متن مبدأ که بیان آن در متن مبدأ ضرورتی ندارد در ترجمه معنایی وجود ندارد. بدین ترتیب میان خواننده ترجمه و متن ترجمه شده خلا ارتباطی پدید می‌آید. در این موارد مترجم با آوردن توضیحاتی در پانویس این خلا را پر می‌کند. می‌کند. اگر منطق متن اصلی مخدوش باشد، آن را اصلاح و خطاها و لغزشهای نویسنده را رفع می‌کند.

اغلب نظریه پردازانی که روش‌های ترجمه را توصیف کرده‌اند، يك روش را بر روش دیگر ترجیح داده و آن را توصیه نیز کرده‌اند. (برای مثال رجوع کنید به نظریه یوجین نایدا با عنوان معادل پویا (dynamic equivalence) نیومارک يك روش واحد برای ترجمه انواع متون یا نوعی خاص از متن توصیه نمی‌کند و از دو روش فوق یکی را برتر از دیگری نمی‌داند، بلکه معتقد است در ترجمه، مخصوصاً در ترجمه متون مهم مذهبی، فلسفی هنری و علمی که خواننده ترجمه همچون خواننده متن مبدأ، علاقه‌مند و دارای زمینه قبلی است از هر دو روش باید استفاده شود. در واقع، به اعتقاد نیومارک، تنها استفاده توأمان از این دو روش تضمین کننده دو معیار عمده ترجمه یعنی صحت (در ترجمه ارتباطی)، و اختصار (در ترجمه معنایی) می‌باشد. در ترجمه يك متن، واحد ترجمه از جمله‌ای به جمله دیگر متغیر است. برخی از جملات را باید ضرورتاً به روش ارتباطی ترجمه کرد، در حالیکه برخی دیگر را می‌توان به روش معنایی برگرداند. در مورد برخی از جملات، ترجمه ارتباطی و معنایی آنها یکسان است. بنابراین در توصیف متن ترجمه شده نمی‌توان گفت که متن به شیوه معنایی یا به شیوه ارتباطی ترجمه شده است. تنها می‌توان گفت که متن به نسبت کم یا زیاد به روش معنایی یا به روش ارتباطی ترجمه شده است. برای مثال در متونی که هدف نویسنده دادن اطلاعاتی به خواننده است، دستوالعمل‌ها، توصیه‌ها و قضاوت‌های ارزشی را در مقایسه با توضیحات متن می‌توان به روشی ارتباطی‌تر برگرداند. همچنین می‌توان تعاریف و توضیحات متن را در مقایسه با عباراتی که در آنها بین معنای زبانی و مقصود گوینده دوگانگی وجود دارد، به روشی معنایی‌تر ترجمه کرد.

۰۱ تا آنجا که نگارنده می‌داند، معادل فارسی این دو اصطلاح (ترجمه ارتباطی - ترجمه معنایی) اولین بار در مقاله بحثی در مبانی ترجمه، علی صلح جو، نشر دانش، سال ۶ شماره ۵، آمده است.
پورجوادی، دکتر نصرالله ۱۳۶۲، نشر دانش سال ۰۳ شماره ۶ ص ۵۹ تا ۶۲